

زنگ طبیعت

تلنگری بر خلاقیت دانش آموزان

نوری‌زاد، آموزگار پایه دوم دبستان پسرانه ناحیه ۲



امروزه حاکمیت دنیای ماشینی و مجازی، کودکان ما را از دنیای واقعی و تجربیات ملموس آن دور کرده است. رخوت و سستی دانش‌آموزان، عدم رشد ذهنی، کاهش اعتمادبه‌نفس، دوری از جمع و کارهای گروهی، کم‌رنگ شدن قوه خیال، نداشتن آزادی بیان و بارش مغزی از پیامدهای فضای مجازی است. مدارس نیز با نصب بوردهای هوشمند سعی در تغییر شیوه‌های آموزشی خود دارند؛ اما نتیجه استفاده از این بوردها آن است که دانش‌آموزان به‌جای مشاهده و لمس مستقیم آن‌چه باید بیاموزند، گرفتار چهارچوب کلاس شده‌اند. به‌عبارتی، دور شدن از طبیعت و واقعیت‌های اجتماعی با کاهش قدرت یادگیری و اختلالاتی در فهم و درک کودکان همراه است.

یکی از روش‌هایی که در مدارس به ایجاد تجربه مستمر دانش‌آموزان در طبیعت کمک می‌کند، اختصاص یک ساعت در هفته به زنگ طبیعت است. زنگ طبیعت مخصوصاً برای کودکانی که در خانه خود، تجربه داشتن حیات را ندارند، فرصت یادگیری خوبی به حساب می‌آید. این زنگ نه‌تنها خللی در آموزش ایجاد نمی‌کند، بلکه آموزگار می‌تواند به موازات اهداف تدریسش قدرت درک دانش‌آموزان را با استفاده از تجربیات گوناگون افزایش دهد.

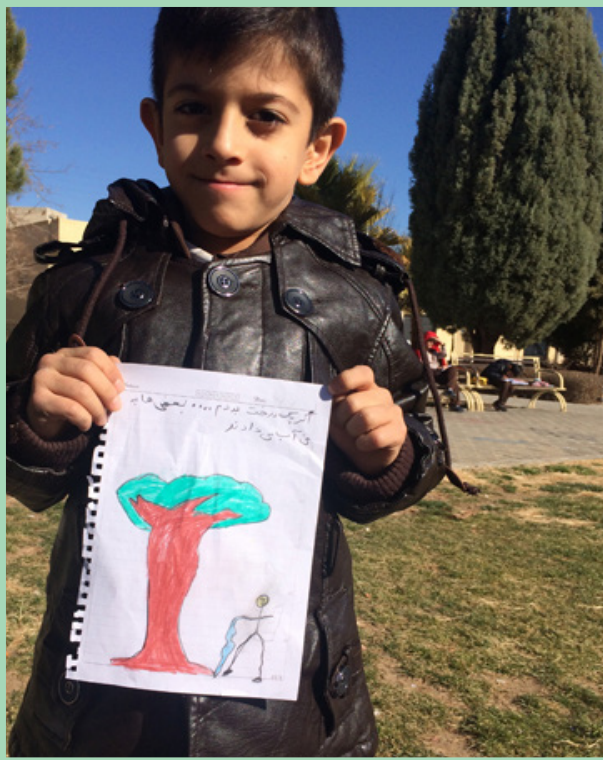
در این زنگ خبری از آموزش کلاسیک و سخنرانی آموزگار نیست؛ بلکه او در مقام راهنما، موتور خیال دانش‌آموزان را روشن می‌کند تا آن‌ها آزاد و سرخوشانه علاوه‌بر تجربه طبیعت، به فهمی دست یابند که هیچ‌وقت به فراموشی سپرده نخواهد شد. در این زنگ می‌توان فعالیت‌های متفاوتی را از دل طبیعت برای آموزش استخراج کرد. از جمله این فعالیت‌ها، تدریس مباحث درس علوم چون: گیاهان، دانه‌ها، درختان، هوای پاک، ساخت تپه‌های ماسه‌ای، ساخت آبگیر برای لاک‌پشت‌ها، تماشای لانه پرندگان و... است. هم‌چنین تجربه‌های بیشتری از طبیعت را می‌توان با طرح بازی‌های تعادلی و گروهی، کوهنوردی، درست کردن آتش با رعایت قوانین و یا تقویت مهارت‌های زندگی ایجاد کرد؛ مثل این‌که چه خوراکی‌هایی در آتش پخته می‌شوند؛ مانند: سیب‌زمینی، قارچ و...

بنابراین یک معلم می‌تواند درس خود را به‌شکلی خلاقانه و جذاب، در فضایی متفاوت از کلاس ارائه دهد. دوری از محیط و جو خشک آموزشی کلاس و مدرسه، موجب درک عشق، یادگیری ارزش‌ها و مهارت‌های زندگی در طبیعت خواهد شد. من نیز با این باور، بخشی از تدریسم را به آموزش در دامن سبز طبیعت اختصاص داده‌ام و این عمل بارها و بارها در طول سال تکرار می‌شود.

در یکی از این روزها با در جریان گذاشتن مسئولین مدرسه، دانش‌آموزانم را به پارک «خرد» در نزدیکی مدرسه بردم. موقع خروج از کلاس گوشزد کردم هنگام رسیدن به پارک خوب اطراف را نگاه کنند و با رعایت نکاتی، درختان و برگ‌ها را لمس کنند، در آخر نیز مشاهدات خود را یادداشت کنند. دانش‌آموزان با در دست داشتن دفتر و قلم راهی پارک شدند؛ پس از گذشت زمانی خواستم تا دو جمله زیر را در دفترشان بنویسند بعد با قرار دادن خود در قالب یک درخت و طبیعت ایده‌های خلاقانه‌شان را روی کاغذ بیاورند و بیان کنند:

۱- اگر یک درخت بودم

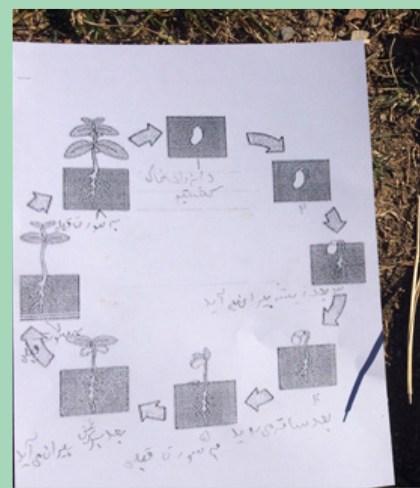
۲- من چهار فصل طبیعت هستم که برای انسان‌ها



دست‌نوشته‌های زیبای آن‌ها نشان می‌داد ارزش درختان و طبیعت را به‌خوبی لمس کرده‌اند.

در همین زمان اشاره‌ای بر مطلب اخیر درس علومشان یعنی پراکنده شدن و تکثیر دانه‌ها و گیاهان کردم مانند: مشاهده زنبوری که بر پرچم گلی نشسته یا دیدن دانه‌های کاج و ... که سبب برانگیختگی دانسته‌های دانش‌آموزان و تبادل نظر در بین آنان شد.

این دو ساعت در پارک، عاری از هرگونه تنش و یا بدخلقی دانش‌آموزان بود. آن‌ها در اوج آرامش و امنیت فکری در کنار هم به بحث و مشورت پرداختند، از یکدیگر و طبیعت یاد گرفتند و در نهایت یک روز به‌یادماندنی در ذهن و جانشان باقی ماند.



آن روز من تلاش کردم علاوه بر درس علوم به دانش‌آموزانم احترام به طبیعت را نیز بیاموزم. چون کودکان وقتی ارزش واقعی طبیعت را می‌فهمند که با نحوه برخورد و رفتارمان، تصور درستی از طبیعت را در ذهن آن‌ها نهادینه کرده باشیم. هنگامی که دوستی با طبیعت در کودکان شکل نگرفته باشد، نمی‌توان از آن‌ها انتظار عشق و احترام را به طبیعت داشت. درک اهمیت محیط‌زیست در دانش‌آموزان باعث می‌شود تا در آینده نسبت به حفظ و نگهداری آن واکنش و تعصب نشان دهند. بنابراین زنگ طبیعت می‌تواند خلل و کمبود فضاهای طبیعی را در کودکان ما رفع کند و همچنین راه‌کاری باشد تا با تجربه محیط‌زیست، عشق به طبیعت در آن‌ها بیدار شود.